

### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۳۹

آیه ۱۵۴ - ۱۵۷

آیه و ترجمه

ثم اتینا موسی الکتب تماما علی الذی احسن و تفصیلا لکل شیء و هدی و  
رحمة لعلهم بلقاء ربهم يؤمنون ۱۵۴  
و هذا کتب انزلنه مبارک فاتبعوه و اتقوا لعلکم ترحمون ۱۵۵  
ان تقولوا انما انزل الکتب علی طائفین من قبلنا و ان کنا عن دراستهم لغفلین  
۱۵۶

او تقولوا لو انا انزل علینا الکتب لکنا اهدی منهم فقد جاء کم بینة من ربکم و  
هدی و رحمة فمن اظلم ممن کذب بایت الله و صدف عنها سنجزی الذین  
یصدفون عن ایتنا سوء العذاب بما کانوا یصدفون ۱۵۷  
ترجمه :

۱۵۴ - سپس به موسی کتاب (آسمانی) دادیم، (نعمت خود را) بر آنها که  
نیکوکار بودند تکمیل کردیم، و همه چیز را (که مورد نیاز آنها بود در آن)  
روشن ساختیم، کتابی که مایه هدایت و رحمت بود، تا به لقای پروردگارشان  
(به روز رستاخیز) ایمان بیاورند.

۱۵۵ - و این کتابی است پر برکت که ما (بر تو) نازل کردیم، از آن پیروی نمائید  
و پرهیزگاری پیشه کنید تا مورد رحمت قرار گیرید.

۱۵۶ - (ما این کتاب را با اینهمه امتیازات نازل کردیم) تا نگوئید کتاب آسمانی  
تنها بر دو طایفه پیش از ما (بر یهود و نصاری) نازل شده بود و ما از بحث و  
بررسی آنها بیخبر بودیم.

۱۵۷ - یا نگوئید اگر کتاب آسمانی بر ما نازل می شد از آنها هدایت یافته تر  
بودیم، اینک آیات و دلایل روشن از جانب پروردگارتان برای شما آمد و  
همچنین هدایت

### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۰

و رحمت او، با اینحال چه کسی ستمکارتر از آنها که آیات خدا را تکذیب کردند و

از آن روی گردانیدند یافت می‌شود، اما بزودی کسانی را که از آیات ما روی گردانیدند به خاطر همین اغراض بی‌دلیلشان مجازات شدید خواهیم کرد.

**تفسیر :**

**پاسخ قاطع به بهانه جویان:**

در آیات قبل، سخن از ده حکم اساسی و اصولی اسلام در میان بود، که در حقیقت زیر بنای بسیاری از احکام اسلامی محسوب می‌شود، و از تعبیراتی مانند: ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه (این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید) و مانند آن بر می‌آید که این احکام، مخصوص آئین و مذهب معینی نبوده، بویژه اینکه تمام آنها از اصولی است که عقل به روشنی، آنها را تصدیق و تایید می‌کند، و به این ترتیب مضمون آیات گذشته بیان احکامی است که نه تنها در اسلام بلکه در تمام ادیان بوده است.

به دنبال آن در این آیات، می‌گوید: سپس به موسی، کتاب آسمانی دادیم و نعمت خود را بر افراد نیکوکار و آنها که تسلیم فرمان ما و پیرو حق بودند کامل ساختیم (ثم آتینا موسی الکتاب تماما علی الذی احسن).

از آنچه گفتیم معنی کلمه «ثم» که در لغت عرب معمولا برای «عطف با تاء خیر» می‌باشد روشن می‌گردد، و معنی آیه چنین خواهد بود، نخست به انبیای پیشین، این فرمانهای همگانی و عمومی را ابلاغ کردیم، سپس به موسی کتاب آسمانی دادیم، و این برنامه‌ها و تمامی برنامه‌های لازم را در آن شرح دادیم.

به این ترتیب نیازی به توجیهات مختلف و احیانا ضعیف که بعضی از مفسران گفته‌اند نخواهیم داشت.

ضمنا این نکته نیز روشن شد که «الذی احسن» اشاره به تمام کسانی است

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۱

که نیکوکارند و آماده پذیرش حق و قبول فرمان خدا. «و در آن هر چیز که مورد نیاز بود، و در مسیر تکامل انسان اثر داشت، بازگو کرده» (و تفصیلا لكل شیء).

«و نیز این کتاب، که بر موسی نازل شد، مایه هدایت و رحمت بود» (و هدی و رحمة).

«تمام این برنامه‌ها به خاطر آن بود که در روز رستاخیز و لقای پروردگار

ایمان بیاورند، و با ایمان به معاد، افکار و گفتار و رفتارشان پاک شود»  
(لعلهم بلقاء ربهم یومنون).

ممکن است گفته شود اگر آئین موسی کامل بوده (آنچنان که کلمه تماماً از آن حکایت دارد) آئین مسیح و سپس آئین اسلام، چه ضرورتی داشته است؟! ولی باید توجه داشت که: هر آئینی برای زمان خود، آئین جامع و کاملی است، و محال است آئین ناقص از طرف خدا، نازل گردد، ولی همین آئین که برای یکزمان کامل بود، ممکن است برای زمانهای بعد، ناتمام و نارسا باشد، همانطور که یک برنامه جامع و کامل برای دوره دبستان، نسبت به دوره دبیرستان نارسا است، و سر فرستادن پیامبران مختلف با کتب آسمانی متعدد، تا به آخرین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و آخرین دستور منتهی گردد، نیز همین است، البتّه هنگامی که بشر آمادگی برای دستور نهائی پیدا کرد و دستور نهائی صادر شد، دیگر نیازی به آئین جدید نیست و درست همانند افراد فارغ التحصیل که می‌توانند بر اساس معلومات خود به پیشرفتهای علمی از طریق مطالعه پیش بروند، پیروان چنین مذهبی نیاز به آئین جدید نخواهند داشت و تحرک کافی را از همان آئین نهائی خواهند گرفت.  
و نیز از این آیه استفاده می‌شود که مسائل مربوط به قیامت در تورات اصلی به حد کافی بوده است، و اگر می‌بینیم در توراتهای کنونی، و کتابهای وابسته

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۲

به آن جز در موارد نادری اشاره به معاد و رستاخیز نشده است، به نظر می‌رسد که بیشتر به خاطر تحریف یهود و دنیاپرستانی بوده که مایل بوده‌اند درباره قیامت کمتر سخن بگویند و کمتر سخن بشنوند.  
البته در توراتهای کنونی اشارات مختصری به مسأله قیامت شده است، ولی به اندازه‌ای کم است که بعضی می‌خواهند بگویند یهود، اصولاً به رستاخیز معتقد نیست ولی این سخن به مبالغه شبیه‌تر است تا به یک واقعیت.  
ضمناً باید توجه داشت همانطور که در جلد اول تفسیر نمونه (صفحه ۱۵۶) خاطر نشان ساختیم: منظور از ملاقات پروردگار که در آیات قرآن آمده، ملاقات حسی و رویت با چشم نیست، بلکه یکنوع شهود باطنی و ملاقات روحانی است که بر اثر تکامل انسان در رستاخیز صورت می‌گیرد، و یا مشاهده پاداشها و کیفرهای او در جهان دیگر است.

در آیه بعد، اشاره به نزول قرآن و تعلیمات آن کرده و بحث آیه گذشته را تکمیل می‌نماید و می‌گوید: «این کتابی است که ما نازل کرده‌ایم، کتابی است با عظمت و پر برکت و سرچشمه انواع خیرات و نیکیها» (و هذا کتاب انزلناه مبارک)

و «چون چنین است به طور کامل از آن پیروی کنید، و پرهیزگاری پیشه نمائید و از مخالفت با آن بپرهیزید شاید مشمول رحمت خدا گردید» (فاتبعوه و اتقوا لعلکم ترحمون)

در آیه بعد، تمام راههای فرار و بهانه‌جوئیها را به روی مشرکان بسته، نخست به آنها می‌گوید: «ما این کتاب آسمانی را با این امتیازات نازل کردیم تا نگوئید که تنها بر دو طایفه پیشین (یهود و نصاری) کتاب آسمانی نازل شده، و

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۳

ما از بحث و بررسی و مطالعه آنها غافل بوده‌ایم، و اگر از فرمان توسرپیچی کردیم به خاطر این بوده است که فرمان تو در دست دیگران بود و به دست ما نرسید»

(ان تقولوا انما انزل الكتاب على طائفتين من قبلنا و ان كنا عن دراستهم لغافلين)

در آیه بعد همان بهانه به صورت دامن‌دارتر و آمیخته با ادعا و غرور بیشتر از آنها نقل شده است، و آن اینکه، اگر قرآن بر آنها نازل نمی‌شد، ممکن بود ادعا کنند ما بقدری برای انجام فرمان الهی آمادگی داشتیم که هیچ ملتی به اندازه ما آمادگی نداشت: «و اگر کتاب آسمانی بر ما نازل می‌شد، ما از همه آنها پذیراتر و هدایت یافته‌تر بودیم» (او تقولوا لو انا انزل علينا الكتاب لكنا اهدى منهم)

در حقیقت، آیه قبل، منعکس کننده این بهانه بود که اگر ما به راه‌نیا آمده‌ایم بر اثر بیخبری از کتب آسمانی بوده و این بیخبری معلول آن بوده است که این کتب بر دیگران نازل گردیده، اما این آیه منعکس کننده حس خود برتر بینی آنها و ادعای بی‌اساسی است که در مورد امتیاز نژاد عرب بر دیگران داشته‌اند. نظیر همین معنی در سوره فاطر آیه ۴۲ از قول مشرکان به صورت یک‌مساله قاطع نه به عنوان یک قضیه شرطیه نقل شده است، آنجا که می‌گوید: «مشرکان با نهایت تاکید قسم یاد کردند که اگر پیامبری به‌سوی آنها بیاید

از تمام امته‌ها هدایت یافته‌تر خواهند بود». و به هر حال قرآن در برابر این ادعاها می‌گوید: خداوند تمام راه‌های

---

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۴

بهانه جوئی را بر شما بسته است زیرا آیات و دلائل روشن از طرف پروردگار برای شما آمد، آمیخته با هدایت الهی و رحمت پروردگار» (فقد جائکم بینة من ربکم و هدی و رحمة).

جالب این‌که به جای تعبیر به کتاب آسمانی، تعبیر به «بینة» شده است، اشاره به این‌که این کتاب آسمانی از هر نظر روشن و روشنگر و آمیخته با دلائل قاطع است.

«با این حال آیا کسی ستمکارتر از آنها که تکذیب آیات خدا می‌کنند و از آن اعراض می‌نمایند پیدا می‌شود؟» (فمن اظلم ممن کذب بایات الله و صدف عنها)

«صدف» از ماده «صدف» (بر وزن حذف) به معنی اعراض کردن شدید و بدون تفکر از چیزی است، اشاره به این‌که آنها نه تنها از آیات خدا روی گردانیدند بلکه با شدت از آن فاصله گرفتند، بدون این‌که درباره آن کمترین فکر و اندیشه‌ای به کار برند. گاهی این کلمه به معنی جلوگیری کردن و ممانعت دیگران نیز آمده است.

در پایان آیه، مجازات دردناک این گونه افراد لجوج و بی‌فکری که مطالعه نکرده حقایق را به شدت انکار می‌کنند و از آن می‌گریزند حتی سد راه دیگران می‌شوند، در یک جمله کوتاه و رسا بیان کرده می‌گوید:

«به زودی کسانى را که از آیات ما روی می‌گردانند، گرفتار مجازاتهای شدید خواهیم کرد، و این به خاطر همان اعراض بی‌رویه و بی‌دلیل آنهاست»

(سنجری الذین یصدفون عن آیاتنا سوء العذاب بما کانوا یصدفون)

«سوء العذاب» اگر چه به معنی «مجازات بد» است، ولی چون مجازات بد، مجازاتی است که در نوع خود شدید و فوق‌العاده دردناک باشد، بسیاری از مفسران آن را به «مجازات شدید» تفسیر کرده‌اند.

---

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۴۵

تکرار جمله «یصدفون» در هنگام بیان کیفر اینگونه اشخاص، به خاطر روشن ساختن این حقیقت است که تمام گرفتاریها و بدبختیهای آنان از اینجا سرچشمه می‌گیرد که بدون فکر و مطالعه از حقایق، رویگردان می‌شوند، و اگر حداقل به عنوان یک شخص جستجوگر و در حال شک به خود اجازه مطالعه می‌دادند هیچگاه گرفتار چنین عواقب دردناکی نمی‌شدند.